

مرحوم غلط کرده!

طنزیم

هومن جعفری



در مجلسی وکیل دیاباته فرمود: خب دوستان، دیاباته اعلام کرده که از استقلال نمی‌رود.

خبرنگاران: غلط کرده! ما هر روز می‌نویسیم می‌رود!

نتیجه اخلاقی: خوبی شروع لیگ این است که خبرنگارها می‌توانند برخی سوژه‌های نخ‌نماشده را رها کنند!

نان و آب

خب، به سلامتی و مبارکی بوندس‌لیگا هم آغاز شد و دوستان شرط‌بند آنلاین... ببخشید علاقه‌مندان به فوتبال می‌توانند بعد از مدت‌ها دلی از عزا در بیاورند! در همین زمینه تشکری هم داشته باشیم از بازیکنان تیم هرتابرلین که در شادی‌های بعد از گل نه‌تنها فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت نکردند، بلکه مرزهای شادی دسته‌جمعی را به افق‌های نوینی رساندند. البته این رعایت نکردن فاصله برای ما خیلی سوژه نان و آبداری نیست و فقط می‌شود با آن چهار خط طنز نوشت اما صمیمانه اظهار امیدواری می‌کنیم که همکاران طنزنویس ما در رسانه‌های آلمانی حساسی از خجالت دوستان دریابند و ستون‌شان نیز به‌خوبی پر شود!

ویلموتس در سریال‌های من

خبر رسیده که آقای ویلموتس در حال تیز کردن یک غرامت صدمیلیارد تومانی برای فوتبال ایران است. ما چون اخیراً خیلی سریال مظنون یا پرسون آف اینترست را نگاه کرده‌ایم، توصیه می‌کنیم با خرج کردن دو سه میلیارد تومان، یک بلایی سر ویلموتس و ورثه‌اش بیاوریم و پرونده مختومه اعلام شود. به قول معروف وقتی نفس نکشد، غرامت هم نمی‌خواهد! یک هیتمن استخدام کنید قال قضیه را بکنند، شتر مرد غرامت خلاص!

چاخان

قرار شده امید سینگ به تیم ملی هند دعوت شود. برای این بازیکن ایرانی-هندی آرزوی موفقیت می‌کنیم.

قطعا سینگ گزینه مناسبی است که بعداً از او بپرسیم در لیگ برتر ایران چاخان‌های بیشتری دید یا در سینمای هند!

نوروزی مدیر تیم‌های ملی کشتی فرنگی می‌شود

نظارت شاگرد بر عملکرد استاد

نگاه

وحید جعفری



حسن رنگرز، سخنگوی سابق فدراسیون و مدیر تیم‌های ملی فرنگی که از کشتی رفت تا با سمتی که در وزارت ورزش گرفت، به‌عنوان سرپرست دفتر توسعه آموزش‌های پایه و استعدادیابی در این وزارتخانه فعالیت کند، علیرضا دبیر رئیس فدراسیون خیلی زود محمد امامی را به‌عنوان سخنگوی جدید فدراسیون معرفی کرد تا جای خالی رنگرز احساس نشود، اما با گذشت چند ماه هنوز تکلیف پست حساس مدیریت تیم‌های ملی کشتی فرنگی مشخص نشده است؛ ولی اینطور به‌نظر می‌رسد که دبیر سرانجام به جمع‌بندی رسیده و تصمیم دارد قهرمان المپیک را جایگزین قهرمان جهان در این پست کند. ابتدا که رنگرز به‌عنوان مدیر تیم‌های ملی کشتی فرنگی معرفی شد، با توجه به اختلافاتی که او در گذشته با محمد بنا داشت، تصور می‌شد رنگرز که قرار است به‌عنوان مدیر بر عملکرد بنا نظارت کند، این موضوع با حواشی همراه شود، اما با سیاستی که رنگرز در دستور کار قرار داد، تعامل خوبی در این زمینه ایجاد شد تا کشتی فرنگی علی‌رغم آنچ پیش‌بینی می‌شد با آرامش به کار خود ادامه دهد. با رفتن رنگرز از فدراسیون این سؤال همواره مطرح شده که دبیر چه کسی را جایگزین رنگرز در پست مدیریت خواهد کرد؛ پستی حساس که اگر به‌خوبی انجام نگیرد می‌تواند مشکلات متعددی را برای کشتی فرنگی ایجاد کند، از همین رو همگان منتظر هستند تا ببینند رئیس فدراسیون چه کسی را برای این پست در نظر خواهد گرفت و حالا از گوشه و کنار خبر می‌رسد دبیر تصمیم گرفته سمت مدیریت این سؤال مطرح می‌شود که آیا قهرمان المپیک فرد مناسبی برای این پست است و می‌تواند نظارت مناسبی بر عملکرد محمد بنا، استاد خود داشته باشد؟ شاید عده‌ای به‌دلیل حاشیه‌هایی که امید نوروزی در زمان کشتی گرفتنش داشت او را مناسب این پست ندانند و نگران بروز حواشی احتمالی باشند، اما نباید فراموش کرد که این حواشی مربوط به گذشته است و نوروزی امروز آن امید سال‌های نه‌چندان دور نیست. انسان پخته‌ای شده که دیگر بیگدار به آب نزده و احساساتی با مسائل و مشکلات برخورد نمی‌کند. او در این سال‌ها تحصیلات خود را تکمیل کرده، کار اجرایی انجام داده و باتجربه شده است، از همه مهم‌تر اینکه او قهرمان جهان و المپیک است و این افتخارات را روی سینه خود احساس می‌کند، پس کسی نمی‌تواند به او-که خود کارگشته این داستان است- ایرادی بگیرد. البته نگرانی دیگر نظارت امید بر عملکرد محمد بنا است؛ فردی که خود نوروزی با سرمربیگری او به مدال جهانی و المپیک رسید و حالا باید عملکرد استاد خود را مورد ارزیابی قرار دهد. هردوی این افراد اخلاق و رفتار خاص خود را دارند، علاوه بر این شاید یک دلخوری هم بابت این موضوع که بنا با بازگشت به کشتی از نوروزی که انتظار داشت از او برای حضور در اردو دعوت کند، وجود داشته باشد؛ اما تردیدی نیست امید در صورتی که برنامه و سیاستی مناسب داشته باشد می‌تواند مسائل گذشته را فراموش کرده و در این امر نیز همچون دوران قهرمانی موفق عمل کند. تردیدی نیست فدراسیون کشتی در صورتی که بتواند از سرمایه‌های بیشتری در بدنه خود بهره‌برد، به موفقیت نزدیک‌تر خواهد شد و امید نوروزی یکی از این سرمایه‌های گرانقدر است که در صورت تعامل می‌تواند همچون حمید سوریان باری‌رسان فدراسیون و کشتی باشد.

تعصب کور به جای معرفت و انسانیت

سناریوی تارانتینویی در ایران

میعاد نیک

از عجایب روزگار جاری زنده‌کُشی و مرده‌پرستی همه ماست. قهرمان زنده را تا وقتی که هست در نمی‌یابیم و به حال خودش رها می‌کنیم اما بلافاصله پس از مرگش برای‌مان تبدیل به یک ابراسطوره و مقتدا می‌شود. ماجرای مرحوم متین قوسی یک نمونه کوچک‌تر از موضوع بالاست.

بازیکن فقید تیم تحت هدایت فیروز کریمی در برنامه ستاره‌ساز پس از ابتلا به کرونا پس از مدتی مقاومت جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد تا کووید-۱۹ در فوتبال ایران اولین قربانی‌اش را به کام مرگ بکشد. از این مرگ نابهنگام و دلخراش اما برداشت‌هایا بهتر بگوییم سوء برداشت‌های بسیاری صورت گرفت. بازیکنان و مربیان تیم‌های مخالف با از سرگیری رقابت‌های لیگ برتر ضمن دستمایه قرار دادن فوت متین نوجوان، ماجرای ابتلا به بیماری‌اش را با فوتبال مخلوط کردند و ادامه رقابت‌های داخلی را منتهی به بیماری بازیکنان و افزایش مرگ‌ومیر جلوه دادند؛ نگاهی بشدت آماتور و غیر حرفه‌ای که نشان داد تا چه اندازه تفکر تعصبی در فوتبال کشور رواج یافته و خبری از انسانیت و معرفت در ذهن فوتبالی‌ها نیست. فوتبالیست‌ها و مربیان‌شان بی‌توجه به آداب و رسوم و بدون رعایت شرایط خانواده داغدار متین قوسی در حال موج‌سواری برای رسیدن به خواسته‌های خود و ماهی گرفتن از آب گل‌آلود مرگ یک نوجوان هستند. کما اینکه تک‌بیانه باشگاه پرسپولیس برای مخالفت با افکار استقلالی‌ها نیز خالی از ایراد و اشتباه نبود و خود می‌توانست حاکی از همان نگرش غیر حرفه‌ای و سودجویانه از شرایط فعلی کشور باشد. سؤال اصلی اینجاست چرا باید برای رسیدن یا نرسیدن به خواسته‌های خود از خون یک جوان مایه گذاشت؟ مگر ارزش سرگرمی به‌نام فوتبال چقدر است که برای تهییج آن نیاز به بازیچه کردن مرگ افراد باشد؟ خدارحم کرد که هیچ تیمی مانند لیورپول در ایران آنقدر اختلاف امتیاز و برتری نسبت به سایر رقباندار دوگرنه برای دستیابی به یک جام اسنپی یا غیراسنپی هر روز اجرای زنده سناریوهای کوننتین تارانتینو را در فوتبال ایران به‌وضوح مشاهده می‌کردیم. یورگن کلوپ با وجود آنکه قهرمانی تیمش پس از ۳۰ سال در لیگ برتر تقریباً قطعی بود و با کسب دو پیروزی دیگر می‌توانست شکستن طلسم قهرمانی جزیره را به نام خودش ثبت کند، پس از شیوع کرونا ویروس قاطعانه ارزش‌های انسانی صحبت کرد و نشان داد به دنبال قهرمانی به هر قیمتی نیست، اما در ایران هنوز پدر نمرده اما همه به دنبال جنگ بر سرمیراث او هستند. دیدگاه کلوپ و امثال او هرگز در فوتبال ایران جا نخواهد افتاد، چراکه تعصب کورکورانه و فرار از مسئولیت آنقدر در مغزمان فرو رفته که برای جدا شدنش نیاز به قرن‌ها دگردیسی و تغییر است.

همه از این فوتبال

فراری هستند

شبح کژدم

سامان موحدی راد



مرگ دراماتیک متین قوسی حالا او را به چهره معروف فوتبال ایران بدل کرده است. خیلی از ستاره‌های لیگ برتری که تا یک ماه پیش نامی از او نشنیده بودند حالا با وام گرفتن از نام او و علت مرگش خواهان پایان دادن به لیگ برتر فوتبال ایران هستند؛ فوتبالیست جوانی که به دلیل ابتلا به کرونا

جان باخت و حالا نامش دستاویزی شده برای دعوای رنگی در فوتبال ایران. موافقان تعطیلی لیگ که تعدادشان هم زیاد است، می‌گویند ادامه لیگ برتر و احتمال ابتلای ورزشکاران دیگر به این بیماری می‌تواند سلامت جامعه را هدف قرار بدهد. عده‌ای حتی پای نظر پزشکانی را هم پیش کشیده‌اند که در صورت ابتلای یک فوتبالیست به کرونا بخش زیادی از ریه‌اش را از دست می‌دهد و حتی در صورت بهبودی از کرونا دیگر توان بازی ندارد؛ موضوعی که البته با مثال‌های جهانی‌اش نقض شدنی است. همین دوروز پیش در آلمان رقابت‌های بوندس‌لیگا با فاصله‌گذاری اجتماعی از سر گرفته شد. در سرتاسر دنیا هم تعداد زیادی ستاره فوتبال به کرونا مبتلا شدند و جان‌به‌در بردند که تا کنون کسی از پایان عمر فوتبالی‌شان سخنی به میان نیاورده است. مهم‌ترین آنها دیالاست که چند تست کروناایش بیایی مثبت اعلام شده و تعجب همه را برانگیخته. ولی حتی با ادامه دار شدن ابتلای دیبالا به کرونا کسی از پایان دوران فوتبالی‌اش سخن به میان نیاورده است.

در ایران اما همچنان مرگ یک فوتبالیست جوان آن هم در اثر ابتلا به کرونا جایی خارج از زمین فوتبال موضوعی است که به محل نزاع تیم‌های مختلف لیگ برتری تبدیل شده است. کار به جایی رسید که خانواده این جوان هم در بیانیه‌ای از اهالی فوتبال ایران خواستند از نام فرزندشان سوءاستفاده نکنند.

همه می‌دانیم از چه چیزی داریم صحبت می‌کنیم؛ از فوتبال ایرانی که آنقدر زخم به صورت کشیده شده که دیدن تصاویر زیبا در آن به حداقل‌ها رسیده است. در سرتاسر دنیا با رعایت اصول بهداشتی و تعیین مقررات فوتبالی بازیکنان را قرار است به میدان بیاورند تا دنیای پس از سه ماه تعطیلی شاهد بازی فوتبال باشد و در ایران همه از آن فراری هستند؛ برای فرارشان هم به هر دلیل و بهانه‌ای متوسل می‌شوند. حتی از سوءاستفاده از نام یک جوان تازه در گذشته هم دریغ نمی‌کنند.

شاید بهترین حرف را در این زمینه خداداد عزیزی زده باشد. او در واکنش به حواشی ایجاد شده بعد از مرگ این فوتبالیست جوان گفت: «عده‌ای در فوتبال سوار قایقی می‌شوند که فقط منافع خودشان را دنبال کنند. واقعاً فوت متین ربطی به لیگ برتر ندارد. نباید از مرگ یک پسر بچه به‌منظور دستیابی به اهداف‌مان مایه بگذاریم.»